

عنوان مقاله:

رویکردی فلسفی به فضاوسیمای شهر

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، دوره 16، شماره 29 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

مرضیه پیراوی ونک - دکتری فلسفه عضو هیات علمی دانشگاه هنرصفهان

خلاصه مقاله:

چهره شهرزبان شهر است زبانی که نشانگر تلقی یا تفکرانسان از هستی و جهان است ساختن که بروز نمادین و خلاقانه اندیشیدن است نحوه وجود انسان درجهان و نگاه او به عالم و مکان را اشکار می سازد شهرسازی و معماری به مثابه بروز نمادین تفکر در قالب مادی و عینی در دوره های مختلف تاریخی با ایجادتغییر درتلقی انسان ازجهان و مکان دستخوش تغییر وتحول شده است عدول ازمعنای اصیل کلمه ساختن و بناکردن که به معنای سکونت آرامش و قرار الفت انس و محافظت است انسان معاصر را چنان دچار بحران بی مکانی و بی خانمانی احساس عدم امنیت و آرامش کرده که حتی درشهر و دیار خویش با فضای شهرخود بیگانه و نااشناست تنها زمانی میتوانیم ازفضای شهری به معنای واقعی برخوردار باشیم که ظاهر و چهره شهر متناسب با معنا و باطن یعنی فرهنگ باورها و عقاید شکل گیرد تا بتواند برای تک تک افراد احساس اشنایی و معناداری را ایجادکند تامل درمعنای اصیل ساختن و مکان میتواد ارایه دهنده الگوی پیشنهادی به منظور اصالت بخشیدن به سیمای شهردرراستای معناداری دلالت گری و زبانی بودن آن باشد این مقاله ب انگاهی پدیدارشناسانه سعی درخوانش سیمای شهر به مثابه زبان شهردارد

کلمات کلیدی:

مکان، شهر، ساختن، سکونت، بودن، جهان، زبان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/602517>

